

«جمع آباد»؛ مزرعه‌ای که بوی نفت گرفت

مرضیه ترابی اطلاعات ما درباره «جمع آباد»، مانند دیگر مزارع و روستاهای شمال مشهد که امروز به بخشی از شهر تبدیل شده‌اند، بسیار محدود است و اگر مدارک مربوط به وقف نامه‌ها در دسترس نبود، چه بسا امروز رد و نشانی از اطلاعات مربوط به مناطقی مانند جمع آباد نیز وجود نداشت. کوشش ما در این سلسله مقالات، کشف هویت فراموش شده چنین مناطقی است؛ کشفی که می‌تواند نقش مهمی در بازآفرینی هویت تاریخی مشهد و آشنایی نسل جوان این شهر با سرگذشت زادگاهشان داشته باشد؛ موضوعی که البته بر چگونگی ارتباط با گذشته و تقویت عرق وطن دوستی فرزندان ما نیز تأثیر بسیاری خواهد گذاشت. تلاش برای بازشناسی هویت تاریخی جمع آباد، اقدامی در همین راستاست؛ مزرعه‌ای که روزگاری در حوالی شمال باروی مشهد قرار داشت و یکی از نخستین مناطقی بود که بعد فروریختن دیوار شهر، در دوره پهلوی اول، به بخشی از مشهد تبدیل و در گذر تاریخ، نامش به فراموشی سپرده شد.



موقعیت جغرافیایی «جمع آباد»

شناسایی محدوده جغرافیایی جمع آباد کمی مشکل است؛ طبق آنچه در وقف نامه‌ها قابل بررسی است، اراضی این مزرعه با اراضی محراب خان، شادکن و دنگان هم مرز بوده است. با این حال، از آنجا که هم اراضی شادکن و هم اراضی جمع آباد را، به‌ویژه در دوره متأخر، بخشی از اراضی محراب خان فرض می‌کرده‌اند، فعلا تا یافتن اسناد بیشتر، تعیین حدود مزرعه جمع آباد، به صورت دقیق، تقریباً امکان ندارد. احتشام کاویانیان در کتاب «شمس‌الشموس»، اشاره بسیار مختصری به مزرعه جمع آباد کرده و درباره آن نوشته است: «مزرعه جمع آباد ضمیمه محراب خان شده» و پیش از آن توضیح داده است: «قسمتی از اراضی محراب خان را جهت ساختمان منازل، اجاره داده‌اند»، البته اشاره کاویانیان به اراضی مربوط به منطقه‌ای است که بعدها نام «کوی طلاب» به خود می‌گیرد. اما از همین اشاره مختصر او می‌توان دریافت که در دهه ۵۰، اراضی مزرعه جمع آباد، جغرافیای مستقلی نداشته است؛ نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، قرار گرفتن مزرعه جمع آباد در محدوده بلوک تبادکان است. این امر البته در همه اسناد به چشم نمی‌خورد. در «کتابچه بلوک تبادکان حوالی ارض اقدس^(۱)» که مربوط به دوره ناصرالدین شاه است، نامی از مزرعه جمع آباد دیده نمی‌شود. دلیل این مطلب شاید آن باشد که در این مزرعه، برخلاف مزارع دیگر، ساکن دائمی وجود نداشته است؛ البته این فقط یک ادعاست و باید برای اثبات آن، دلایل متقن به دست آورد؛ زیرا چنان‌که در قدیم مرسوم بود، در مزارع اطراف مشهد و بلوک‌های مختلف منطقه، خانواده‌هایی به صورت دائم زندگی می‌کردند و در این مزارع، تأسیسات زیربنایی برای رفاه حال ساکنان و ایجاد بستر مناسب برای رسیدگی بهتر به امور مزرعه وجود داشته است؛ چنان‌که پیش‌تر درباره مزارع و روستاهایی مانند بُقرا ده، سمرقند و شقا به آن اشاره کردیم. در کتابچه جایی موقوفات آستان قدس رضوی^(۲) نیز جمع آباد بخشی از بلوک تبادکان دانسته شده است. در عین حال، احتشام کاویانیان در «شمس‌الشموس» که کار نگارش آن در دهه ۵۰ خورشیدی به اتمام رسیده، مزرعه جمع آباد را در زمره مزارع حاشیه مشهد قرار داده است که دلیل این اقدام، توسعه مشهد و قرار گرفتن مزرعه در محدوده شهری است. با توجه به آنچه گفته شد، حدود مزرعه جمع آباد را می‌توان به طور تقریبی، از حوالی میدان شهیدگنم امروزی (فلکه مقدم طبرسی) به سوی شمال شرقی تا ابتدای اراضی قلعه شادکن و محراب خان دانست.

(۱) گردآوری شده در کتاب جغرافیای نفوس خراسان در عصر ناصری، تحقیق و تصحیح، رضائقی، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صفحات ۲۳۰ تا ۲۴۴ (۲) انتشار یافته در سال ۱۳۱۵ قمری (۱۲۷۶ خورشیدی)



بختی تاریخی در باب قدیمی‌ترین سند «جمع آباد»

تا آنجا که نگارنده جست‌وجو کرده است، قدیمی‌ترین سندی که در آن از مزرعه جمع آباد سخن به میان آمده، وقف نامه‌ای متعلق به سال ۱۱۲۶ قمری (۱۱۰۲ خورشیدی) است که میرزا محمد مؤمن وزیر، از طرف شاه طهماسب دوم^(۱) به رشته تحریر درآورده است.

عزیزا... عطاردی در مقاله مفصلی با موضوع «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس^(۲)» جمع آباد را موقوفه شاه طهماسب یکم صفوی می‌داند و می‌نویسد: «شاه طهماسب صفوی، ملکی به نام مزرعه حسینی در میان ولایت و رقبه‌ای در جمع آباد تبادکان، خریداری [کرد] و عواید آن را صرف فتیله عنبر (فتیله‌ای که از عنبر سازند و بوی خوش می‌دهد) حرم مطهر و حفاظ مزار خود نمود». این گزارش، البته در تعارض با تاریخ و محتوای وقف نامه‌ای است که به آن اشاره کردیم؛ شاه طهماسب یکم، بین سال‌های ۹۰۳ تا ۹۵۵ خورشیدی حکومت کرده و دوران حیات وی با تاریخ وقف نامه جمع آباد هم‌خوانی ندارد. از طرفی، در این وقف نامه آمده است که آن را میرزا محمد مؤمن از طرف شاه طهماسب (بدون قید اول یا دوم) به رشته تحریر درآورده و هشتاد جریب اراضی و باغات را در اطراف محوطه «پیپرگز^(۳)» به همراه شش سهم از هفت سهم مزرعه جمع آباد به انضمام محوطه علیمردان خان در مزرعه دنجان (دنگان) وقف کرده تا نصف درآمد این رقیات، هر ساله و در ایام عاشورا و هر شب و روز جمعه، صرف تعزیه‌داری برای امام حسین^(ع) شود. به نظر می‌رسد مرحوم عطاردی، در تشخیص هویت شاه طهماسب دچار اشتباه شده باشد. با کمی دقت در

«جمع آباد» در دیگر اسناد

در میان سندهایی که امروز در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، اشارات بسیاری به مزرعه جمع آباد و تاریخچه آن وجود دارد. طبق این اسناد، جمع آباد قناتی مستقل و پیرآب داشته که هر از گاهی نیاز به تعمیر ولای‌روبی پیدا می‌کرده است؛ مثلاً در سال ۱۳۰۵ قمری (۱۲۶۶ خورشیدی)، کار لای‌روبی و مرمت قنات را «استاد رضاقلی مقنی» برعهده داشته (سند شماره ۴۴۱۵۷) و در سال ۱۱۶۲ قمری (۱۱۲۸ خورشیدی)، حدود ۳۸ سال قبل از آن نیز کار مرمت ولای‌روبی را دونفر به نام‌های «استاد محمد بن حاجی قربان» و «کریم‌لای کاظم چاهجو» برعهده گرفته بوده‌اند. مزرعه جمع آباد نیز، مانند هر مزرعه دیگر، گاه گرفتار حوادث پیش‌بینی نشده‌ای می‌شده که زمینه نابودی محصول یا کم شدن آن را فراهم می‌کرده است؛ مثلاً در سال ۱۲۹۵ قمری (۱۲۵۷ خورشیدی) یعنی همان سالی که زین‌العابدین میرزا قاجار نخستین سرشماری رانجام می‌دهد، بارش تگرگ خسارت سنگینی به مزرعه جمع آباد وارد می‌کند تا آنجا که «حاج عبدالحسین»، مستأجر مزرعه در آن زمان، در نامه‌ای به آستان قدس، خواستار قسطی کردن «مال الاجاره» می‌شود. (سند شماره ۴۳۴۳۸) در دوره‌های بعد نیز، مستأجران دیگری کار کشت و زرع را بر روی اراضی مزرعه جمع آباد برعهده داشته‌اند؛ مثلاً در سند شماره ۴۱۵۶۰ مرکز اسناد آستان قدس رضوی، از «میرزا محمد جعفر اقبال التولیه» به عنوان مستأجر مزرعه در سال ۱۲۲۳ قمری (۱۲۸۴ خورشیدی)، یک سال قبل از پیروزی نهضت مشروطه، سخن به میان آمده یا اینکه در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، مزرعه در اجاره «حسن علی هراتی» بوده است.

باز شدن پای نفت به «جمع آباد»

نزدیک بودن اراضی جمع آباد به محدوده شهر مشهد، سبب می‌شود این مزرعه خیلی زود در محیط شهری مستحیل شود. با گسترش مشهد و برداشته شدن محدوده قدیمی باروی شهر در دوره پهلوی اول، جمع آباد به تدریج وارد مشهد می‌شود. وقتی در سال ۱۳۳۰ خورشیدی، نخستین مخازن نفتی را بر روی بخشی از اراضی این مزرعه قدیمی ساختند، به تدریج یاد و خاطره جمع آباد نیز به فراموشی سپرده شد. طولی نکشید که در سال‌های بعد، در اواخر دهه ۴۰، بخش بزرگ اراضی مزرعه بزرگ محراب خان که به‌گفته احتشام کاویانیان، جمع آباد نیز بخشی از آن به حساب می‌آمد، به منظور احداث بنا، به اجاره طولانی مدت واگذار شود و بخش مهمی از طلاب علوم دینی مشهد، بر روی اراضی این منطقه، به ساخت خانه پرداختند و همان‌طور که اشاره کردیم، محله‌ای را به وجود آوردند که در سال‌های بعد به «کوی طلاب» شهرت یافت. به این ترتیب، اراضی جمع آباد که روزگاری محل کشت غلات، اعم از گندم، جو و ارزن بود، به منطقه‌ای مسکونی صنعتی تبدیل شد که تا همین اواخر، مخازن نفتی آن فعال بود و بر کرانه شمالی بولوار وحدت قرار داشت.



پنجره طبقه بالای عمارت به بیرون زبانه می‌کشد. لباس افراد بیشتر به لباس متداول در فصل پاییز و زمستان شباهت دارد؛ به همین دلیل می‌توان گفت که آتش سوزی به تصویر کشیده شده، احتمالاً مربوط به نقص فنی بخاری‌ها یا استفاده نامناسب از آن‌ها در مجموعه عمارت شیروخورشید سرخ بوده است. تصویر بعدی، نمایی از پایان عملیات اطفا را به تصویر می‌کشد، حجم انبوه وسایل سوخته و نیز، نردبانی که برای ورود مأموران آتش‌نشانی و شاید نجات افراد گرفتار در آتش، سمت چپ عکس و در کنار دیوار قرار گرفته است. از نکات جالب توجه این عکس ویژه و تاریخی است، امیدوارم از دیدن این عکس‌ها لذت ببرید.

منبع تصویرها: مرکز اسناد آستان قدس رضوی

دو تصویر امروز که به تازگی مرکز اسناد آستان قدس رضوی – در پایگاه ایتای این مرکز- انتشار داده است، مربوط به حریق در ساختمان شیروخورشید سرخ (هلال احمر امروزی) است؛ ساختمانی زیبا و خوش ساخت که در خیابان ارگ قرار داشت و بعدها جای خود را به سازه‌ای مدرن‌تر داد. تصویر به احتمال زیاد، مربوط به قبل از شهریور ۱۳۲۰ است. طبقه دوم عمارت به‌طور کامل درگیر آتش و دودی بوده که از تمام پنجره‌ها متصاعد شده است. اما نکته مهم و تاریخی در این عکس، صرف نظر از معماری عمارت شیروخورشید سرخ، فعالیت آتش‌نشانان برای مهار آتش است. اگر به قسمت راست عکس آتش سوزی توجه کنید، افرادی را می‌بینید که با استفاده از شلنگ‌های آب‌پاش، قصد خاموش کردن آتشی را دارند که از یک

از آتش سوزی و عملیات اطفا ی آن در حوزه عکس برداری خبری قرار می‌گیرد، باید در بایگانی عکس نخستین عکاسان خبری مشهد، رد و نشانی از چنین عکس‌هایی یافت. دو تصویری که امروز مشاهده می‌کنید، مربوط به بایگانی زنده‌یاد علی آبریا، یکی از نخستین – و شاید نخستین – عکاسان خبری شهر مشهد است که حتما در این مدت با نام و سوابق درخشان وی آشنا شده‌اید؛ عکاس رسمی آستان قدس و جراید دهه ۱۰ تا ۴۰ خورشیدی در مشهد که تصاویر بکر و نادیده‌ای از وی درباره مشهد قدیم وجود دارد. او با سلیقه‌ای مثال‌زدنی در انتخاب زاویه عکاسی و پوشش دادن هر چه بیشتر شواهد موجود در صحنه برای ثبت در تصویر، نقش مهمی در ایجاد میراث تاریخی مشهد در قالب عکس داشت.

ترابی طبق اسناد و مدارک موجود، ظاهر نخستین ایستگاه آتش‌نشانی مستقل در شهر مشهد، زیر نظر بلدیه (شهرداری)، سال ۱۳۱۱ خورشیدی و در گاراژ خرازی، جایی در حاشیه میدان شهدای امروزی تأسیس شد. امروز در پی اجرای طرح‌های توسعه، دیگر نشانی از آن ایستگاه آتش‌نشانی قدیمی نیست؛ ایستگاهی که در دوران خودش، نقش مهمی در اطفا ی بسیاری از آتش سوزی‌های خطرناک و گسترده مشهد داشت. متأسفانه تصاویری که از این خدمات در سال‌های نخست فعالیت ایستگاه آتش‌نشانی داریم، فعلاً بسیار محدود است. اینکه می‌گوییم «فعلاً» از این نظر است که امیدوارم به همین زودی‌ها اسناد جدیدتری از پیشینه خدمات آتش‌نشانی منتشر شود و تصاویر جدیدی درباره آن انتشار یابد. خدا را چه دیدید! از آنجا که عکس برداری

قدیمی‌ترین تصویر ثبت شده از آتش سوزی در مشهد

فوتو مشهد